

ایران از نگاه یک آمریکایی

ترجمه از کتاب

A memory of my two years with the
Peace Corps in Iran

اثر دکتر پاول پیتزر

معلم آمریکایی زبان انگلیسی دبیرستان های —

۱۳۴۴-۱۳۴۶

مترجم اصغر محمودآبادی

سرشناسه	پیتزر، پاول
عنوان و نام پدیدآور	Pitzer, Paul
مشخصات نشر	ایران از نگاه یک آمریکایی: خاطرات پاول پیتزر / پاول پیتزر؛ مترجم اصغر محمودآبادی.
مشخصات ظاهری	اھر: اصغر محمودآبادی، ۱۳۹۲.
فروست	۳۷۶ص. مصور (رنگی).
شابک	ترجمه ۱
سبب فهرست نویسی	۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۰۳۱۴-۰
پاندا ت	فیا
موضوع	A memory of my two years with the Pease Corps in Iran: عنوان اصلی:
نام افزوده	پیتزر، پل - خاطرات
رده بندی کنگ	معلمان خارجی - ایران - خاطرات
رده بندی دی سی	محمودآبادی، اصغر، ۱۳۴۲ - مترجم
شماره کتابشناسی ملی	۹۱۳۹۲/۲۲۸۶LP الف پ ۱۳۹۲
	۳۷۰/۱۹۶۰۹۵۵
	۳۳۴۴۵۵۴

ناشر	ایران از نگاه یک آمریکایی
نویسنده	پاول پیتزر
مترجم	اصغر محمود آبادی
طراح روی جلد	مهری قربان
نوبت چاپ	۱۳۹۱
لیتوگرافی	چاردی
چاپ	مسعود اد
ناشر	مؤلف
ویراستار فنی	جعفر خضوعی
شابک	۸-۶۰۰-۰۴-۰۳۱۴-۰
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات	۳۷۶ صفحه
قیمت	۲۰۰۰۰ تومان
قطع	وزیری

این کتاب با حمایت مالی مجتمع مس سونگون به چاپ رسیده است

فهرست مطالب

صفحه

عناوین

۳	مقدمه مترجم
۷	مقدمه نویسنده
۱۱	فصل ۱ سپتامبر ۱۹۶۶
۲۳	فصل ۲ اکتبر ۱۹۶۶
۳۳	فصل ۳ نوامبر ۱۹۶۶
۷۲	فصل ۴ ضیافت شکرگزاری
۷۷	فصل ۵ دسامبر ۱۹۶۶
۸۷	فصل ۶ ژانویه ۱۹۶۷
۱۰۴	فصل ۷ فوریه ۱۹۶۷
۱۰۸	فصل ۸ مارس ۱۹۶۷
۱۳۴	فصل ۹ آوریل ۱۹۶۷
۱۴۳	فصل ۱۰ مه ۱۹۶۷
۱۵۴	فصل ۱۱ مه ۱۹۶۷
۱۶۹	فصل ۱۲ ژوئن ۱۹۶۷
۱۸۷	فصل ۱۳ جولای ۱۹۶۷
۱۹۲	فصل ۱۴ اگوست ۱۹۶۷
۱۹۸	فصل ۱۵ سپتامبر ۱۹۶۷
۲۰۳	فصل ۱۶ اکتبر ۱۹۶۷
۲۰۹	فصل ۱۷ نوامبر ۱۹۶۷
۲۲۲	فصل ۱۸ دسامبر ۱۹۶۷
۲۲۸	فصل ۱۹ ژانویه ۱۹۶۸
۲۳۷	فصل ۲۰ فوریه ۱۹۶۸
۲۴۲	فصل ۲۱ مارس ۱۹۶۸
۲۵۶	فصل ۲۲ نوروز ۱۹۶۸
۲۶۰	فصل ۲۳ آوریل ۱۹۶۸
۲۷۴	فصل ۲۴ می و ژوئن ۱۹۶۸
۲۸۰	فصل ۲۵ خاتمه
۲۸۳	یادداشت مترجم
۲۸۹	سال شمار نویسنده پاول پیترز
۲۹۱	تصاویر کتاب
۳۶۰	زندگی مترجم کتاب در یک نگاه
۳۶۵	مقدمه کتاب به زبان اصلی از نویسنده
۳۶۶	فهرست اعلام
۳۶۷	پیوست مجتمه من سونگون

مقدمه مترجم

فراوانی از زبان انگلیسی زبان خارجه نظام آموزشی ایران، زبان فرانسه بود همگام با اغلب ملل جهان در ایران نیز زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجه مدارس و دانشگاه ها انتخاب شد. ممکنانی از کشورهای انگلیسی زبان جهت تدریس به ایران آمدند.

آقای ابوالفضل داور نویسنده کتاب «سیری در تاریخ آموزش و پرورش شهرستان اهر» می گوید: تا سال ۱۳۳۱ هرگز زبان فرانسه تدریس می شد و معلمان زبان فرانسه ایشان آقایان میر اسماعیل بنی عباس، کریم پازنده و رضا شایگان بودند. در سال ۱۳۳۴ با این که زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجه سمیت می یافت ولی ما این اجازه را داشتیم که اگر بخواهیم همان زبان فرانسه را ادامه دهیم.

از مهرماه سال ۱۳۴۳ به بعد تام مورگان، پول پیتز، والدمار شولتز، اد لویس، بوریس لیندن و دیوید تا اندکی مانده به پیروزی انقلاب اسلامی در شهر اهر به تدریس زبان انگلیسی مشغول بودند. به گفته آقای محمد کشاورز که در سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۵۵ دبیر زبان انگلیسی دبیرستان های اهر بود، بوریس لیندن به ما در دانشگاه تبریز تدریس می کرد. دیوید در اهر برای تدریس مستقر شد اما بزودی ایران را ترک کرد و با رفتن او فقط معلمان ایرانی زبان انگلیسی را در اهر تدریس می کردند.

سپاهیان صلح به جای این که خدمت سربازی خود را در ارتش آمریکا بگذرانند، داوطلب خدمت در سپاه صلح می شدند. سپاه صلح از سوی جان اف. کندی رییس جمهور آمریکا از حزب دموکرات، تأسیس شده بود. کندی بعدها ترور شد. هدف اعلام شده سپاه صلح، شناسایی آداب و رسوم و فرهنگ ملل جهان و شناساندن فرهنگ آمریکایی به آنها است. داوطلبان خدمت در سپاه صلح پس از آموزش های لازم و یادگیری مختصر زبان کشور هدف، به محل مأموریت اعزام می شدند. پس از ترور کندی و حتی روی کار آمدن

متناوب جمهوری خواهان، این سپاه همچنان به فعالیت خود ادامه داد. هم اکنون این سپاه با ۹۰۰۰ نیروی داوطلب در اقصی نقاط جهان حضور دارد. به نظر می رسد تداوم فعالیت این سپاه با اهداف ملی این کشور گره خورده و تغییر دولت ها تأثیری در تقویت یا انحلال آن ندارد. مستر پاول پیتزر عضو سپاه صلح، که از سال ۱۳۴۵ (۱۹۶۶ م.) در اهر تدریس می کرده کتاب خاطرات خود را با عنوان

"خاطرات من از دو سال خدمت با سپاه صلح در ایران"

"A memory of my two years with the Peace Corps in Iran"

به همراه عکس هایی در اینترنت منتشر کرده است. حدود نیم قرن از آن روزها می گذرد و خواندن این خاطرات و دیدن عکس هایی از چهل سال پیش اهر و ایران شاید برای خیلی ها خاطره برانگیز باشد. همچون بخش از تاریخ اهر و ایران را می توان در این کتاب به تماشا نشست. پاول پیتزر بعدها به اخراج مارک بالتر نایل آمد. مطالعه کتاب خاطرات وی نشان می دهد که او یک خاورشناس فاضل است که با نگاهی ژرف بینانه و کاوشگرانه جامعه آن روز ایران را بررسی کرده است. این بعدها با مروری بر خاطرات خود به ریشه یابی علل و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی نیز پرداخته و منصفانه سهم آمریکایی ها را در قیام ملت ایران علیه دخالت های نابجای دولتمردان و کثرت پانده نگرفته است. هر چند که طرح اولیه کتاب در اهر ریخته شده و اولین کتابی است که به زبان انگلیسی در اهر نوشته شده و مطالب بسیار ارزشمندی راجع به این شهر تاریخ دارد. ارزش کتاب وی خیلی بیشتر از این مسایل است.

او در مدت حضور خود در ایران به نقاط مختلف ایران از آذربایجان گرفته تا اصفهان و کرمان و کرانه های خلیج فارس و سواحل گیلان، خوزستان، کرمانشاه و استان های غربی ایران سفر کرده و حاصل دیده ها و شنیده هایش را با نقدی عالمانه نگاشته است. پیتزر به تمام معنی یک ایران شناس است. البته هیچ نویسنده ای بخصوص مستشرقین از خطا و لغزش مصون نیستند. اما آقای پاول پیتزر در نوشته خود تلاش می کند که ارزش های

پذیرفته شده را ارج نهد. کتاب او نشان می دهد که وی روح اسلام را پذیرفته و بر همسانی جوهر ادیان معتقد است. من پس از مدتی متن الکترونیکی کتاب را دانلود کردم و رفته رفته احساس کردم که می توانم این کتاب را ترجمه کرده و در اختیار مشتاقان آن قرار دهم. ابتدا بیست بخش کوتاه آن را در اختیار سردبیر نشریه نسیم قره داغ گذاشتم که چاپ آن شورای برانگیخت. بعدها نشریه "گویا" که در اهر به چاپ می رسد و گستره استان دارد به چاپ آن علاقه نشان داد. بخش هایی از ترجمه تا به حال در چهل و دو شماره این نشریه چاپ شده است. کسانی که مرا می شناسند و ترجمه خاطرات پیتزر را تعقیب می کنند به تدریج آن می پردازند. اظهار لطف مردم باعث شد که از تعطیلات نوروز سال پیش به اهر راجعت ببخشم و ترجمه این کتاب را به اتمام برسانم.

در ترجمه سعی کرده ام تا جایی که به فهم نوشته خدشه وارد نشود، برداشت های نویسنده را عوض نکنم مثلاً نویسنده روایتی از حراب مسجد معروفی در اصفهان در کتابش آورده و نوشته "بخشی از مسجد که به سبک مکه ساخته شده" کجای مکه به این شکل است؟ شاید منظور وی معماری اسلامی است. من مترجم وسوسه شدم که به جای "به سبک مکه" از عبارت "معماری اسلامی" استفاده کند اما من معادل همان عبارت اصلی را آورده ام تا تلقی نویسنده تحریف نشود. پس از ترجمه بخشی از نوشته های کتاب را که امکان داشت بد تعبیر شوند حذف و به جای آن نقطه چین گذاشتم. در مورد اغلب وقایع که در اهر رخ داده و به قلم پیتزر جاودانه شده و نام اشخاصی که برخی از آنها در قید حیات هستند و بعضی ریق رحمت را سرکشیده اند اما دوستان و همسران آنها را می توان ملاقات کرد، پا را از ترجمه فراتر گذاشته و به تحقیق میدانی متوسل شده ام تا در ترجمه سهویات نویسنده را برطرف کنم.

طبیعی است که یک آمریکایی در ثبت نام های اشخاصی که ریشه در زبان انگلیسی ندارند دچار اشتباه شود. مخصوصاً این که نویسنده در نوشته اش اشاره کرده که بخش عمده ای از نوشته بازسازی خاطراتش پس از چندین دهه است. اول پیتزر که خوشبختانه در قید حیات است با این کار خود خواسته ایران را به دنیا بشناساند و بخشی از تاریخ اهر را در نیم قرن اخیر جاودانه کرده است. وقتی از طریق ایمیل به وی اطلاع دادم که

ترجمه کتاب به پایان رسیده و اجازه خواستم که اگر بتوانم به چاپ برسانم. ضمن موافقت کریمانه برایم نوشت که فقط مواظب باشم نوشته های او باعث رنجش خاطر اشخاصی نشود که وی به نام آنها اشاره کرده است با این که خود وی بسیار دقت کرده تا از نوشته اش غبار اندوه بر دل کسی ننشیند.

من می دانم از زحمات همه معلمانی که به من خواندن و نوشتن آموختند معلمان دبیرستانی آقای عباسعلی بایبوردی معلم کلاس اول، مرحوم پوریعقوب معلم کلاس دوم آقای مرزا زاده معلم کلاس سوم، مرحوم محمدرضا زارعی حصارى معلم کلاس چهارم که وسط سال ششم راهنمای تحصیلی و آقای رضازاده که جانشین وی شد. آقای حسین پور معلم کلاس پنجم مرحوم استاد رضا پزشکی مدیر دبستان مازیار و جانشینش آقای کاشانی، همه معلمانی که مرا راهنمای و دبیرستان بویژه معلمان زبان انگلیسی خانم کیوانلو، خانم مافی، آقای رفیع، آقای ظاهری، آقای عیسی جعفری، استادان زبان من در دانشگاه مراتب تشکر و قدردانی خود را اعلام می کنم. از آقای یوسف چرچی استاد مسلم زبان انگلیسی که راهنمایی های خود را به من سپرد و مرا تشویق می کند و پس از چاپ بخش هایی از ترجمه در مطبوعات محلی، مشوق می باشد راه بوده اند قدردانی می نمایم. دخترم مهرناز در ترجمه قسمت هایی کتاب از نظرات ارزنده ای داد که جا دارد تشکر کنم. از مساعدت معنوی آقای جعفر ولیپور رییس فرهنگستان اسلامی اهر، جمشید ضرغام پور و جعفر شفاعو کارمندان این اداره، از دوست خوبم آقای جعفر خضوعی که ویراستاری فنی کتاب را به عهده گرفتند سپاسگزاری کنم. در متن کتاب مطالب داخل پرانتز غیر از مواردی که به نام نویسنده اشاره شده یادداشت مترجم است. بدیهی است که مانت داری از شروط ترجمه است و بیان نظرات نویسنده به معنی تأیید آن از سوی مترجم نیست. این کتاب به نوعی تبلیغ دستاوردهای انقلاب اسلامی است زیرا چهره ای که نویسنده ایران قبل از انقلاب ارائه کرده با ایران امروز اصلاً قابل مقایسه نیست.

مقدمه و پسند

این داستانی در مورد شوک فرهنگی است. شوک فرهنگی برای افرادی که بیشتر به سفر خارج می روند و به زندگی در خارج از کشور خود روی می آورند، پدیده ای آشنا است. شوک فرهنگی به این علت رخ می دهد که دیدگاه بیگانگان با آداب و رسوم و روش انجام این کارها در مقایسه با کسانی که آن فرهنگ آشنایی دارند متفاوت است. بیگانگان با مقایسه چگونگی انجام آداب و رسوم با کسانی که با آن منطقه، با آداب و رسوم خود آن را مزخرف و بیهوده می انگارند. گرچه ممکن است در آغاز برایشان تفرنی و جالب باشد. برای مقابله با شوک فرهنگی یک دوره طولانی مدت لازم است. اگر بخواهید با این پدیده سریع کنار بیایید، مأیوس می شوید. برای سازگاری با فرهنگ در منطقه باید تدریجی عمل کنیم. در انجام هر کاری مشکلاتی وجود دارد و برای رفع آن باید خیلی های بسیاری در پیش روست. تغییر فرهنگ همیشه با موانعی همراه است. بخصوص برای کسانی که سالیان متمادی با این سنت ها زندگی کرده اند. برداشت های متفاوت با این معنا نیست که مشاهدات ناهمسان هستند. رهاورد و دریافت مسافران مناطق بکر یکسان نیست. این نوشته همچنین داستانی درباره سپاه صلح است. دولت کندی با نگرانی خوش بینانه در آن سال ها، سپاه صلح را ایجاد کرده بود. رئیس جمهور و مشاوران او امیدوار بودند که از تراوشات جوانان آمریکایی آرمان گرا برای کمک به کشورهای عقب افتاده، بهره گرفته و با گسترش عقیده آزادی فردی و اندیشه های لیبرالی، موفق به ایجاد جوامع دموکراتیک در نقاط مختلف دنیا شوند. و هدف دیگر سپاه صلح، مقابله با جنگ سرد بود و

این جنگ در ساخت فیلم های زیادی در آمریکا و برنامه های تلویزیونی و برنامه های گردشگران خود را نشان می داد.

سپاه صلح که در حال حاضر نیز فعالیت دارد در آغاز روشی دیپلماتیک، بشردوستانه و تبلیغاتی داشت و به تدریج در روش ها و شیوه عملیات خود تجدید نظر داده است. در ابتدا این سازمان، دانشجویان پرانرژی را به کشورهای جهان سوم می فرستاد. برخی از این دانشجویان تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان رسانده بودند. عده ای در حین دوره دانشجویی وارد سپاه صلح می شدند. سپاه از آنها می خواست، راه زندگی بهتر را به بومیان محل مأموریت نشان دهند.

داوطلبان قبل از اعزام به کشورهای محل مأموریت در اردوگاه هایی که کیلومترها دور از شهرشان بود، آموزش می دیدند. زمانی که آنها خود را به محل مأموریت می رساندند، عهده دار شغلی می شدند. باید مانند اهالی آنجا زندگی می کردند. اما متأسفانه آنها غالباً خود را در سیاست داخلی دخالت می کردند و موجب نارضایتی دولت میزبان می شدند. اولین داوطلبان که بدون آموزش های لازم در زمینه هایی مثل معماری، کشاورزی، پزشکی یا توانایی تدریس، اعزام شده بودند. در نتیجه بعدها روش های سپاه صلح تغییر کرد.

امروزه مقامات سپاه صلح فارغ التحصیلان دانشگاهی با سوابق مفید را به کشور های عقب افتاده اعزام می کنند. آنها متقاضیان خدمات در سپاه صلح را پس از گزینش های لازم می پذیرند. همانند کاری که در اعزام داوطلبان به جنگ ویتنام انجام دادند.

من نیز پس از مدتی به این سپاه پیوستم و دو سال در آنجا خدمت کردم. در شمال غربی ایران در استانی به نام آذربایجان شرقی زندگی کردم. تجربه های این کتاب حاصل خدمت در سپاه صلح و اتفاقاتی است که برایم رخ داده است و به هیچ وجه منحصر به فرد نیست. هر کس که در سپاه صلح خدمت کرده حرف های زیادی برای گفتن دارد. حرف هایی که با ارزش هستند و اگر بنویسند حاصل کار آنها بسیار جالب و در عین حال عظیم خواهد بود. از هزاران نفر داوطلب که به محل مأموریت خود اعزام شده و بازگشته اند، برخی معتقد بودند که تنها زور و انقلاب می تواند جهان را یکدست کند. اما تجارب ارزنده اغلب آنها نشان می دهد که بهترین راه تعامل و گفتگوی میان ملت ها و

قبول تفاوت هاست. در حالی که برای کسانی که خواستار تغییر فوری هستند، این کار دشوار است اما در نهایت آنها که خواهان تغییری هستند که به هرج و مرج نیانجامد، این ایده را خواهند پذیرفت.

سپاه صلح ممکن است در حل این مسأله حرکتش کند و با مشکلاتی مواجه باشد، اما موفق عمل کمک کرده است (تصویر شماره ۱)

در حالی که به این مسایل مهم بی توجهی کند، احساسات ایرانیان را حقارت بار تلقی خواهد کرد. زندگی با ایرانی ها آشکار می سازد که آنها دیدگاه های سنتی، نقاط ضعف و قوت زیادی دارند. آمریکایی هایی که در ایران یا در جوامع دیگر بودند، دیدگاه بهتری به دست آوردند. نقطه نظر ما ظاهراً جامعه آنها عجیب و غریب و متفاوت است. تبادل فرهنگی سهولت می کند.

ما باید این تفاوت را درک کرده و بشناسیم. شناختی که ما به دست آوردیم نشان می دهد، ایران مردم خوبی است. روابط ما با آنها در بیش از دو دهه گذشته نسبت به قبل از آن بسیار متمایز است.

من در روایت خود مکالمات بسیاری را نقل می کنم. به یاد داشته باشید، این مطالب بیش از سی سال پیش گفته شده و به سختی می توانم، ادعا کنم، همان چیزی است که گفته شده. اما آنچه نوشته ام تلاش برای بازماندن خاطرات دورانی است که در ایران زندگی می کردم.

در عین حال که در محاوره به زبان فارسی مهارت نداشته و سعی می کردم الگوی مشترک قابل قبولی را به ایرانیانی که قصد دارند، به زبان انگلیسی صحبت کنند، نشان دهم. در اینجا چیزی را ننوشتیم که در اجرای آن از طریق انصاف دور افتاده است (تصویر شماره ۲)

هنگامی که در ایران زندگی می کردم، با بسیاری از مردم ملاقات کردم. سعی کردم این دیدارها اقشار بسیاری از آنها را شامل شود. در پیش نویس اولیه کتاب مطالبی بود که امکان داشت موجب سردرگمی خواننده شود که در تجدید نظر بسیاری از آنها را حذف کردم. این مایه تأسف است. زیرا مجبور شدم خیلی از خاطراتم را دور بریزم خیلی از این خاطرات به دلیل سال ها دوری از ایران غبار فراموشی رویش نشسته بود. بیش از هر

چیزی می خواهم تأکید کنم مردمی که با آنها آشنا شدم و شناختم دوستانی بودند: مهربان، مفید و وفادار به کشور خود. آنها مسلمانان مؤمن و به مذهب خود معتقد بودند و به میراث نیاکانشان افتخار می کردند. متأسفانه حوادثی که پس از حضور در ایران برای آمریکایی ها پیش آمده و تحلیل این رویدادها با واقعیت هم خوانی ندارد و این مایه تأسف بسیار است.

ترنس آدنل، آمریکایی دیگری از منطقه پورتلند ایالت اورگان است وی کتابی دارد به نام: "بغ نعلی خاطرات من از دنیای در حال جنگ". این کتاب خاطرات زندگی او در ایران است. او به شرح احساسات خود از زیبایی ها و هماهنگی های جامعه ایرانی پرداخته است که می تواند به درک عمیق از دیدگاه مردم جهان کند. کتاب او هم ارزش خواندن دارد. وی در این کتاب عکس هایی از ایران آورده است. کار او با من تفاوت دارد اما در عین حال مکمل کتاب من است. ایران کشوری است متنوع و پیچیده. کتاب من و کتاب ترنس آدنل در کنار هم می تواند به درک حساسیت آمریکایی ها نسبت به ایران و مشکلات آن و به درک و تعامل متقابل این دو کشور کمک کند.

(تصویر شماره ۳)

ایران کشوری است باستانی با افتخارات قدیم و تاریخی درخشان. که از جمله آن دوره های طولانی صلح و آرامش را می توان نام برد. ایرانیان امروزه در عین حال که می خواهند، فرهنگ خود را حفظ کنند در حال گذار به مدرنیته هستند و این یک کار دشوار است. زیرا مدرنیته ممکن است، گسست فرهنگ به بیابال داشته باشد. حداقل در کوتاه مدت، موجب غرب ستیزی خواهد شد. امیدوارم، تلاش برای سیاه صلح، به مردم ایران در این فرایند پیچیده کمک کند و دشواری این راه را به حداقل برساند.